

مبانی کرامت انسانی در اندیشه عرفانی امام خمینی(س)

علی نعیم الدین خانی

چکیده

امام خمینی(س) که خود اهل کرامت انسانی و کرامات الهی بود، آثار علمی و عملی ماندگاری را برای تشنگان کمال رحمانی و جویندگان جمال رحیمی به یادگار گذاشت؛ آثار ارزشمندی که تمامی آنها بیانگر کرامت انسان به معنای واقعی کلمه است و جملگی از آیات قرآن کریم و روایات ناب حضرات معصومین(ع) و در حقیقت از روح اسلام ناب محمدی برخاسته و به روشنی، ترسیم‌گر نظامی مقدس و مبتنی بر فضایل انسانی و عظیم معنوی و نیز احیاگر مدینه فاضله علوی در عصر حیرت و تباهی است. این نوشتار که عهده‌دار تبیین مهم‌ترین مبانی کرامت انسانی در اندیشه عرفانی و معنوی امام(س) است، می‌کوشد تا در قدم نخست، مفهوم کرامت را در لغت و اصطلاح بکاود و پس از نگرشی اجمالی بر موضوع کرامت انسان در قرآن، به ارائه مبانی کرامت انسانی از منظر عرفانی امام(س) همت گمارد. فطرت الهی و طینت معنوی انسان، هدایت انسان و نیاز او به هادیان رحمانی، تهذیب نفس و عبودیت حق، نعمت‌های ظاهری و باطنی، و وصول به جنت کرامت، مباحث مطرح شده در این مقاله است که دیدگاه آن امام و رهبر بزرگ را در خصوص موضوع مورد بحث، تبیین نموده است. در پایان نیز نتایج بحث در فرازهایی چند ارائه شده و به اختصار پیامدها و ثمرات اندیشه متعالی امام(س) در این باره بیان گردیده و مهم‌ترین کاربردهای مورد انتظار در مقوله کرامت انسانی از منظر عرفان حماسی و متکامل امام(س) به منظور ساختن ایرانی آزاد و آباد یادآوری شده است.

درآمدی بر مفهوم‌شناسی کرامت

کرامت [كَمًا] مصدر است و در لغت به معنای بزرگی ورزیدن،^۱ جوانمرد گردیدن،^۲ سرافرازی، ارجمندی، بزرگواری و رفعت^۳ و همچنین به معنای: سخاوت، جوانمردی، احسان، بخشندگی و بزرگواری داشتن کسی^۴ آمده است. در ترجمه المنجد نیز آمده است: «كَرَمٌ، كَرَامَةٌ: به آسانی بخشش کرد، گرامی و بزرگواری شد. الْكَرِيمُ: بسیار بخشنده و جوانمرد، یکی از نام‌های خدا، صاحب کرم و بخشش».^۵ کتاب العین در معنای کرامت می‌نگارد: «الکرم: شَرَفُ الرَّجُلِ»^۶ و لسان العرب می‌نویسد: «الکرم: من صفات الله و أسمائه، و هو الكثير الخیر و الجواد المعطى الذى لا ینفد عطاؤه، و هو الکرم المطلق». در فرازی دیگر از همین واژه‌نامه می‌خوانیم: «الکرم: اسم جامع لكل ما يُحَمَد، فالله عزَّ و جلَّ کرم حمید الفعال و ربَّ العرش الکرم العظیم»^۷ و در مجمع البحرین نیز آمده است: «دار الکرامة: الجنة».^۸

اما «کرامت» در اصطلاح، به مفهوم امر خارق العاده و معجزه می‌باشد؛ چنان‌که جرجانی در تعریفات خود در این باره می‌گوید: «ظهور امر خارق عادت از شخصی غیر مقارن با دعوی نبوت».^۹ و یا در فرهنگ معین می‌خوانیم: «خارق عادی که به دست ولیّ انجام یابد، کرامت نامیده می‌شود؛ مقابل معجزه که از پیغمبر صادر گردد».^{۱۰}

۱. لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه «کرامت».

۲. فرهنگ معین، ذیل واژه «کرامت».

۳. لغت‌نامه دهخدا، همان.

۴. همان.

۵. ترجمه المنجد، ذیل واژه «کرم».

۶. کتاب العین، ج ۵، ص ۳۸۶.

۷. لسان العرب، ج ۱۲، ص ۵۱۰.

۸. مجمع البحرین، ج ۶، ص ۱۵۳.

۹. لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه «کرامت».

۱۰. فرهنگ معین، ذیل واژه «کرامت».

حکما گویند که «نفس ناطقه انسانی ذاتاً از سنخ مجردات است و به حکم سنخیت مایل است که به اصل خویش اتصال پیدا کند»^{۱۱} و به همین جهت است که نفس انسانی مایل به خدا و کمال و جمال او است، هر چند به تعبیر امام خمینی(س) ممکن است در تشخیص مصداق به خطا رود.^{۱۲}

به طور کلی، کرامت بر دو نوع است: یکی، «کرامت فضلی» است که بدون هیچ عملی و کاری به انسان عنایت می‌شود و دوم، «کرامت کسبی» است که در سایه عبادت و عبودیت و تطهیر نفس و پاک کردن آن از زشتی‌ها و پستی‌ها حاصل می‌گردد و به موجب آن، ارزش بالقوه آدمی فعلیت می‌یابد و این انسان طبیعی، موجودی الهی می‌شود:^{۱۳}

یکی از اسرار عبادات و فوائد مهمه که همه مقدمه آن است، آن است که جمیع مملکت باطن و ظاهر مسخر در تحت اراده الله و متحرك به تحريك الله شود و قوای ملکوتیه و ملکیه نفس از جنود الله شوند... و کم کم نتایج بزرگ بر این مترتب شود و انسان طبیعی الهی گردد و نفس ارتیاض به عبادت الله پیدا کند و جنود ابلیس یکسره شکست خورده، منقرض شوند و قلب و قوای آن تسلیم حق شوند و اسلام به بعض مراتب باطنه در آن بروز کند و نتیجه این تسلیم اراده به حق، در دار آخرت آن شود که حق تعالی اراده او را در عوالم غیب نافذ فرماید و او را مثل اعلاى خود قرار دهد و چنانچه خود ذات مقدس هر چه را بخواهد ایجاد کند، به مجرد اراده موجود شود، اراده این بنده را هم آن طور قرار دهد.^{۱۴}

با توجه به آنچه بیان شد می‌توان گفت که کرامت انسان که محور اصلی در مباحث اخلاق و عرفان اسلامی به شمار می‌آید، یعنی هر آن چیزی که بیان‌گر بزرگواری و شرافت و عزت انسان، و گویای عظمت و شکوه و بزرگی او باشد. به بیان استاد شهید مطهری(ره): «کرامت انسان، همان ارزش ذاتی او است...»^{۱۵} ایشان در فرازی دیگر، کرامت را به معنای عزت نفس دانسته و شواهدی را نیز از آیات و روایات ذکر نموده است.^{۱۶}

۱۱. فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی، ص ۶۵۴.

۱۲. شرح اصطلاحات تصوف، ج ۹، ص ۳۱ به بعد، به نقل از: انس الثائین، ص ۲۴۱ به بعد.

۱۳. رک: تقریرات فلسفه، ج ۳، صص ۳۳۸ - ۳۴۱.

۱۴. آداب الصلوة، ص ۳۲.

۱۵. یادداشت‌های شهید مطهری، ج ۶، ص ۴۷۸.

۱۶. رک: مقاله «کرامت انسان در اسلام و اومانیسم»، عبدالحسین خسروپناه، پایگاه اینترنتی تبیان (www.tebyan.net).

یادکرد این نکته ضروری است که اصطلاح «کرامت انسانی» مفهوم جدیدی است که پس از انقلاب اسلامی زنده شده و در واقع، از جمله تأثیرات نهضت الهی امام(س) و اندیشه‌های ناب ایشان، توجه به کرامت و شرافت انسان و ترویج این معنای متعالی است که از روح اسلام ناب برخاسته است؛ چنان‌که انقلاب اسلامی نیز به جهت کرامت‌خواهی مردم و توجه به عزت و شرافت انسانی شکل گرفت و به پیروزی رسید؛ به بیان دیگر، توجه به بنیان‌های شخصیت آدمی و کرامت‌های وجود او است که سازوکارهای نظام اجتماعی را سامان می‌دهد و عرصه‌های مختلف جامعه را اصلاح می‌کند.

آنچه به ما در فهم درست از معنای کرامت انسانی در اندیشه امام(س) کمک می‌کند، توجه به نگرش‌های معنوی، اخلاق و عرفانی ایشان در این باره و کشف مبانی آن است؛ اما پیش از ورود به اصل بحث لازم است که نگاهی به موضوع کرامت در قرآن کریم داشته باشیم تا با شناخت بیشتری به وادی شگرف اندیشه‌های امام(س) در این باره قدم نهیم.

نگرشی بر موضوع کرامت انسان در قرآن

آیات مرتبط با کرامت و به طور خاص کرامت انسانی در قرآن کریم بسیار است و بررسی آن‌ها مجال گسترده و موضوعی مستقل می‌طلبد. کرامت در قرآن به افراد و اشیاء مختلفی نسبت داده شده است که از آن جمله‌اند: خداوند، انسان، ملائکه و قرآن. اما در این نوشتار به تناسب بحث به ارائه سه آیه از قرآن کریم در خصوص کرامت انسان بسنده می‌کنیم.^{۱۷}

۱. کرامت فطری یا ذاتی

نخستین کرامتی که از سوی حق تعالی به انسان افاضه شده است، اعطای طینت پاک و فطرت سالم و برگزیدن آدمی به عنوان اشرف موجودات و عنایت سرشت جوئی و وحدانیت و طینت الوهیت به او است. در جریان سجده ملائکه بر حضرت آدم(ع) وقتی ابلیس از سجده بر آدم(ع) ابا کرد، دلیل آن را چنین ابراز داشت که: «... قال ءأسجد لمن خلقت طیناً * قال أریتک هذا الذی کرمّت علیّ لئن أخرتن إلی یوم القیمة لاحتکن ذرّیته إلاً قلیلاً»؛^{۱۸} «[ابلیس] گفت: آیا به کسی سجده کنم که او را از گِل آفریدی. [ابلیس] گفت:

۱۷. شرح اصطلاحات تصوف، ج ۹، ص ۳۱ به بعد.

۱۸. اسرا / ۶۲.

خبر ده مرا که این کسی که او را بر من شرافت بخشیدی، هر آینه اگر به من تا روز قیامت مهلت دهی، بنیاد فرزندانم را براندازم، جز اندکی».

حضرت آدم (ع) به دلیل بهره‌مندی از علم الاسماء بر ملائکه الهی برتری یافت و به افتخار اجتنای الهی نائل شد. اما ابلیس که آتش را برتر از طینت آدمی می‌دید، به خودبزرگ‌بینی دچار گشت و از سجده بر آدم (ع) اعراض نمود. نکته‌ای که ابلیس در کلام خود به آن اشاره می‌کند این است که آدم (ع) مورد کرامت الهی واقع گردیده و بر ملائکه برتری داده شده است. واژه «کَرَمَتْ»، کلام حقی است که شیطان به آن اقرار کرده و اعتراف نموده که چنین کرامتی را خداوند به آدمی ارزانی داشته است. پس یکی از کرامت‌هایی که از نخستین روز خلقت آدمی به انسان افزوده شد، کرامت اجتنای الهی است و آن به جهت بهره‌مندی خدادادی انسان از فطرت الهی یا مزین شدن طین آدمی به روح نورانی و طینت خدایی است؛ «و نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي».^{۱۹} و از آن‌جا که انسان آخرین خلق الهی و تربیت یافته اسم اعظم است، بر همه اسما و صفات حق احاطه دارد و جامع صورت‌های موجودات است:

انسان جانشین خدا بر آفریده‌های حق تعالی است که به صورت الهی آفریده شده است و در سرزمین‌های حق تصرف می‌کند و خلعت‌های اسما و صفات خداوندی را دربر کرده و در گنجینه‌های ملك و ملکوت او نفوذ دارد و در او روح حضرت الهیه دمیده شده است. ظاهرش نسخه ملك و ملکوت، و باطنش گنجینه‌های خدایی است که مرگ و فنا ندارد و چون جامع همه صورت‌های جهان آفرینش و جهان الهی است، تحت تربیت اسم اعظم که به همه اسما و صفات احاطه دارد و بر همه رسم‌ها و تعیین‌ها حکومت دارد، قرار دارد...

۲۰.

برخورداری انسان از نفخه روحی خدای رحمان و منسوب بودن به ربّ العالمین موجب گردید که نور وَجْهِيَّتِ حق تعالی به اشارت «إِنَّ آدَمَ خَلَقَ عَلِيَّ صَوْرَةَ الرَّحْمَنِ»^{۲۱} بر صورت آدمی تأییدن بگیرد و این گونه، مسجود ملائک گردد و بر سایر موجودات هستی شرافت یابد، بر سریر خلیفه اللهی به زیور «أَحْسَنُ تَقْوِيمٍ»^{۲۲} زینت یافته، به کرامت ذاتی شرافت پیدا نماید و مَثَلِ اعْلَایِ ربوبی گردد. همین مقام

۱۹. حجر / ۲۹.

۲۰. انسان‌شناسی در اندیشه امام خمینی(س)، تبیان، دفتر چهل و سوم، ص ۷۵ و ۷۶، به نقل از: شرح دعاء السحر، ص ۷ و ۸.

۲۱. کنز العمال، ج ۱، ص ۲۲۷.

۲۲. تین / ۴.

«وَجْهِيَّت» و «مَتَكَلِّيَّت» انسان است که موجب گردیده شایستگی حمل امانت بزرگ الهی را که همان ولایت مطلقه یا مقام فیض مقدس است، بیابد.^{۲۳}

حضرت امام(س) پس از اشاره به تفاوت میان خلق و انشا در خصوص مراحل آفرینش انسان در آیات نخستین سوره مؤمنون، می‌فرماید:

... پس معلوم می‌شود که این يك موجود شریف و ورای جسم و جسمانی است؛ چنان‌که از غایت تشریفات این است که فرموده: «فَإِذَا سُوِّيْتَهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي». البته این از تشریف است که تسویه را به خودش نسبت داده است... و باز از تشریف است که روح او را به خودش نسبت می‌دهد... زیرا روح مظهر الوهیت بوده و از صُقع ربوبی و نشانه او است... پس آنچه در آدم بوده که به آن جهت منسوب به خدا شده است، همان تشریف انسان است که خداوند متعال فرمود: «وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» و ملائكة الله بر انسان سجده کردند، از آن جهت که منسوب به خدا است و جلوه اظهر او است؛ ولی شیطان آن جهت را نمی‌دید، بلکه جهت طینی آدم را ملاحظه می‌کرد.^{۲۴}

ایشان در فرازی دیگر، معیار تشریف آدمی را نفس او می‌داند که از صُقع (ناحیه) ربوبی است و در واقع نفسی است که به زیور روح الهی آراسته شده و قابلیت مظهریت اسم الهی را یافته است. البته این شرافت و کرامت بزرگ از آن تمام انسان‌ها است که بالقوه در درونشان به ودیعت نهاده شده است:

... ملائکه که مظهر اسم خدا هستند، یکی مثلاً مظهر اسم «علیم» و دیگری مظهر اسم «قدیر» و دیگری مظهر اسم «قابض» است و آن‌ها مجرد هستند. پس آدم که مظهر تمام اسماء الهیه است و فوق تمام ملائکه، بلکه فوق تمام موجودات عالم است و از طرفی این بدن جسمانی نمی‌تواند مظهر اسم الهی باشد، پس معلوم می‌شود چیزی در کار است که فوق التجرد است و آن نفس است که از صُقع ربوبی است و به تمام ملائکه امر شد بر او سجده کنند و آن همان مظهر اسم جامع «الله» است... .

البته فقط آن آدم نبود که مظهر همه اسماء بود، بلکه ما همه آدمیم؛ ولیکن فرق ما و او این است که در ما این قوه هست که مظاهر اسماء الهی بتواند در ما فعلیت پیدا کند؛ ولی افسوس این قوه در حالت قوه مانده و

به فعلیت نرسیده است...^{۲۵}

۲. کرامت عنایت و هدایت

۲۳. ر.ک: شرح چهل حدیث، ص ۶۳۵ - ۶۳۶.

۲۴. انسان‌شناسی در اندیشه امام خمینی(س)، تبیان، دفتر چهل و سوم، ص ۲۸۳ و ۲۸۴؛ تقریرات فلسفه، ج ۳، صص ۴۳ - ۴۵.

۲۵. همان، ص ۲۸۵ و ۲۸۶.

وقتی خداوند انسان را لباس ظهور پوشاند و آدمی پس از جریان هبوط بر زمین در عرصه امتحان الهی وارد شد، حق تعالی در این دنیا نیز بنی آدم را کرامت‌ها بخشید و بر همه آفریده‌های خویش برتری داد و او را در تمامی امور کفایت نمود و به برکت ارسال رسل و کتب آسمانی، راه سعادت را از شقاوت برایش تمییز داد و علل و اسباب کرامت همچون تقوا و نیروی عزم و اراده را در اختیار او نهاد تا اصل کربانه خویش فراموش نکند و در صورت غفلت از اصل خویشتن، طریق هدایت را بازیابد. این گونه بود که انسان به برکت بهره‌مندی از کرامت‌های الهی و برخورداری از فطرت خدایی و نیروی عقل و دانش در خشکی و دریا یا ظاهر و باطن سرآمد موجودات گردید و شایسته مقام خلیفه الهی گشت: «و لقد کرّمنا بنی آدم و حملناهم فی البرّ و البحر و رزقناهم من الطّیبات و فضّلناهم علی کثیر ممّن خلقنا تفضیلاً»^{۲۶} «و ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و آنان را بر مرکب‌های صحرائی و آبی سوار کردیم و از هر غذای لذیذ و پاکیزه روزیشان نمودیم و آن‌ها را بر بسیاری از مخلوقات خود برتری دادیم، برتری دادنی».

مرحوم علامه طباطبائی(ره) ذیل این آیه شریفه بحث مبسوطی را مطرح کرده و اشاره می‌کند که تکریم و تفضیل با یکدیگر متفاوت‌اند. تکریم انسان از سوی خدا به سبب بُعد عقلانی آدمی است که در دیگر موجودات این بُعد وجود ندارد؛ بر خلاف تفضیل که منظور این است که شخص مورد تفضیل از دیگران برتری دارد، هرچند با دیگران در اصل آن عطیه شریک است.^{۲۷}

در اندیشه متعالی امام(س) کمال انسان به عقل عملی است و نه عقل نظری و تا زمانی که آدمی در مرحله عمل، گرفتار کفر و شرک است، حظی از نور عقل نبرده و به کمال آن دست نیافته است:

غایت عقل مستفاد، فناء فی الله است و عقل عملی هم که آخرین مرتبه‌اش فناء فی الله است. پس غایت هر دو عقل در آخر یکی شد، ولو در آغاز از هم جدا بودند.

ناگفته نماند: کمال انسانی، به عقل عملی است نه به عقل نظری؛ چنان‌که گفتیم که ممکن است انسان، برهان داشته باشد، ولی در مرتبه کفر و شرک باقی بماند؛ ولی عقل عملی همان ارجاع کثرت به وحدت عملاً و خارجاً است. لذا کمال انسان به عقل عملی او است نه به عقل نظری.^{۲۸}

۲۶. اسرا / ۷۰.

۲۷. رک: المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ذیل آیه محل بحث.

۲۸. انسان‌شناسی از دیدگاه امام خمینی(س)، تبیان، دفتر چهل و سوم، ص ۳۲۷، به نقل از: تقریرات فلسفه، ج ۳، ص ۳۵۴.

استاد شهید مطهری(ره) انسان را موجودی آزاد، مختار، مسئول و دارای شخصیت می‌داند و در خصوص منشأ کرامت انسان علاوه بر عقل به نیروی اراده او نیز معتقد است:

منشأ کرامت انسان، یکی نیروی فکر و دیگری نیروی اراده او است. جهان (اجتماع) باید به دست انسان سامان یابد.^{۲۹}

همان طور که در ابتدای نوشتار حاضر اشاره شد، می‌توان کرامت را به دو نوع ذاتی و اکتسابی تقسیم کرد. کرامت ذاتی یا فضلی، کرامتی است که به طور طبیعی در وجود انسان تعبیه گردیده و از ناحیه حق تعالی به آدمی تفضل شده و به موجب آن بر سایر موجودات برتری یافته است. کرامت «عنایت و هدایت» از این نوع کرامت است و آیه مذکور در ابتدای این بحث نیز بر این نوع از کرامت دلالت دارد. نوع دوم کرامت، کرامت اکتسابی است که انسان باید خودش آن را به دست آورد و نفس خویشتن را به مرتبه‌ای از کمال برساند که مورد تکریم و عنایت خداوند قرار گیرد؛ چنان‌که آیه شریفه «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقِيكُمْ»^{۳۰} معیار کرامت انسان را «تقوا» معرفی کرده است.^{۳۱} تقوا به معنای عام، یعنی حفظ و صیانت نفس از هر آنچه آدمی را از خدا دور می‌کند و از منزلت او می‌کاهد. تقوای راستین انسان را از توجه صرف به دنیا بازداشته، کرامت واقعی او را تأمین می‌نماید. از این رو، تفاوت مکتب اسلام با سایر مکاتب مادی که کرامت انسان را صرفاً در قلمرو دنیا و منفعت دنیوی تفسیر می‌کنند، آشکار می‌شود. خداوند، هم در بُعد درونی، رسول عقل و خرد را در ضمیر آدمی تعبیه نمود و او را به فطرتی پاک و سلیم مخمّر ساخت و هم از جنبه بیرونی، حجت‌های خویش را برای هدایت آدمیان قرار داد و این گونه راه خیر و شر یا هدایت و ضلالت را برای بشر آشکار کرد و میدان بزرگ امتحان خویش را فراسوی انسان گسترده و تمامی اسباب قدم نهادن بر صراط مستقیم حق و حقیقت و نیل به سرمنزل مقصود را برای او فراهم آورد.

انسان به معنای حقیقی انسان، به آن معنایی که انسان است، جز ذات مقدس حق و آن‌هایی که ملهم‌اند به الهام او، کسی نمی‌شناسد... صراط مستقیم یک سرش به طبیعت است، یک طرفش مقام الوهیت، و انسان از

۲۹. یادداشت‌های شهید مطهری، ج ۲، ص ۳۹۷.

۳۰. حجرات / ۱۳.

۳۱. ر.ک: مقاله «کرامت انسان در اسلام و اومانیسم»، عبدالحسین خسروپناه، پایگاه اطلاع‌رسانی تبیان (www.tebyan.net).

طبیعت شروع می‌کند تا این‌که برسد به آن‌جایی که در وهم من و تو نمی‌آید: «آنچه در وهم تو ناید آن شوم».^{۳۲}

۳. کرامت سعادت و تقرب

وقتی انسان در سایه‌سار تقوا که معیار کرامت و بزرگی در پیشگاه ربوبی است، به کرامت و منزلت واقعی خود واقف گردید و به اصل خویشتن نایل شد، به مقام وصال یا تقرب به حق تعالی باریابد و در حقیقت، در پرتو عبودیت واقعی قدم در حریم ربوبیت و الوهیت می‌نهد و دار کرامت یا جنت نعیم حق تعالی، پاداش ایمان و عمل صالح او خواهد بود. قرآن کریم در اشاره به این نوع از کرامت فرموده: «قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ * بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَ جَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ»؛^{۳۳} «گفته شد که به بهشت داخل شو. گفت ای کاش قوم من می‌دانستند، به آنچه آمرزید مرا پروردگارم و مرا از گرامی‌داشتگان قرار داد».

اصولاً عقیده به جهان آخرت یا باطن عالم یا ملکوت دنیا که از مباحث مهم در عرفان است، به معنای ارزش قائل شدن به انسان و والا دانستن اهمیت و کرامت او است؛ یعنی مقام آدمی فراتر از جهان مادیات است و نباید تمام هم خود را به عالم ظاهر اختصاص دهد. ضمن این‌که عقیده اسلام در توجه به عدالت اجتماعی خود مقدمه نیل و تسهیل امر معنویت به منظور دستیابی انسان به کرامت و ارزش ذاتی خویش است. جهان غرب کرامت انسان را در روی آوردن به مادیات و زرق و برق دنیا می‌داند و حال آن‌که انسان موجودی دو بُعدی است و هم باید احتیاجات زمینی او را تأمین کرد و هم به نیازهای آسمانی او پاسخ گفت.

گفتنی است که این قسم از کرامت، از نوع کرامت اکتسابی است و آدمی فقط در سایه‌سار ایمان و عمل صالح، شایستگی دستیابی به چنین کرامتی را می‌یابد.

مبانی کرامت انسانی در اندیشه معنوی و عرفانی امام(س)

آرزوی دلباختگان بزم خمینی و شیفتگان انقلاب اسلامی آن است که زیربنای فرهنگی و معنوی انقلاب به برکت اندیشه‌های متعالی امام خمینی(س) سامان گیرد و انوار مبارك و تابناك آن، ضمیر تمام

۳۲. صحیفه امام، ج ۸، ص ۳۲۶ و ۳۲۷.

۳۳. بیس / ۲۶ و ۲۷.

دوستداران کلام و مرام روح الله را در گستره جهان روشنایی بخشد و این گونه، مدینه فاضله امام(س) در منظر چشمان منتظر تشنگان عدالت و معنویت عیان گردد.

اسلام ناب محمدی مبتنی بر اصول و مبانی برخاسته از کرامت انسان است و دستورات و فرامین گوناگونش همچون: اصول توحیدی، اخلاقی، سیاسی، اقتصادی و یا فقهی همگی هموارکننده مسیر نیل آدمی به کرامت واقعی و همسو و موافق با آن است. در این میان، مباحث موجود در عرفان ناب اسلامی خاصه اندیشه‌های اصیل و ماندگار امام خمینی(س) نگاه خاص و ظریفی به موضوع کرامت و شرافت انسان دارد و اساساً تمامی مباحث مطرح در عرفان اسلامی بر محور انسان و تجلی اسما و صفات حق تعالی در این مرآت تمام‌نمای ربوبی می‌چرخد. بحث از ویژگی‌های انسان کامل و مقام و منزلت او در عرفان نیز از جمله موضوعات آمیخته با کرامت است؛ چنان که دعوت انبیا و هدایت اولیا برای نایل نمودن انسان به کرامت حقیقی خویش و گام نهادن در حرم امن الوهیت و جایگاه قرب واحدیت است. امام خمینی(س) که خود اهل کرامت و کرامات بودند، به موضوع کرامت انسانی توجه خاصی نشان داده‌اند و در آثار گفتاری، نوشتاری و سیره عملی خویش این حقیقت نورانی را جلوه‌گر ساخته‌اند؛ به بیان دیگر، کرامت انسانی در آثار علمی و سیره عملی امام(س) موج می‌زند و جای جای زندگی این بزرگ‌مرد توحید و راهبر طریق کرامت و معرفت، دل‌های مشتاق را به فروغ کرامت و کرامات روشن می‌سازد و اندیشه‌های پاک را از زلال خویش سیراب می‌کند.

شایان توجه است که بحث از اندیشه‌های عرفانی امام(س) در این نوشتار، صرفاً به بیان اصول و مبانی خاص عرفانی محدود نمی‌شود و عرفان به معنای تام و تمام آن، که در سیره علمی و عملی امام نمود دارد، شامل دیدگاه‌های معنوی و تربیتی ایشان در تمامی عرصه‌ها همچون: فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نیز می‌شود و از آنجا که در نگاه متعالی امام(س) برنامه بلندمدت برای نظام جمهوری اسلامی اشاعه معنویت دینی و اصلاح و تربیت اخلاقی و اسلامی آحاد جامعه است، توجه به این مبانی اصیل در تمامی سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و الگوسازی‌های منطبق با روح اسلام ناب محمدی شایسته و بایسته می‌نماید.

به طور کلی، می‌توان مهم‌ترین اصول و مبانی کرامت انسانی را از منظر عرفان امام(س) که در واقع، ریشه در مبانی قرآنی و روایی دین اسلام و منطق صحیح عقلانی دارد و همسو با ارزش‌های اصیل اخلاقی و معنوی انسان است، در موارد ذیل برشمرد:

۱. فطرت الهی و طینت معنوی انسان

از زمانی که گل وجود آدمی به دو دست جلال و جمال ربوبی سرشته شد و نفخه روحانی «ونفخت فیهِ مِن رُوحی» در او دمیده شد، کرامت و شرافت همواره همراهش بود و از سرآغاز خلقت آدمی، طینت انسان با جوهره کرامت و بزرگواری شکل گرفت و انسانیت انسان در روحانیت او معنا یافت.^{۳۴} از این رو، انسان بما هو انسان که تجلی تام و آفریده مبارک کریم مطلق است، دارای کرامت و ارزش ذاتی است و بنای وجودش بر اساس کرامت و ارجمندی استوار گشته است و این ویژگی ذاتی، به تمام عائله بشری از هر قوم و آیینی و در هر زمان و مکانی تعلق دارد و به گروه خاصی اختصاص ندارد. به همین جهت است که بشر فطرتاً خداجو است و از نقص و ناقص متنفر است و به کامل و کمال عشق می‌ورزد، هرچند ممکن است در تشخیص مصداق کامل و کمال واقعی به خطا رود:^{۳۵}

... و آن دو فطرت الهیه، یکی تنفر از نقص و ناقص است و دوم، عشق به کامل است. و این دو - که یکی ذاتی و دیگری تبعی ظلی است - از فطرت‌هایی است که تمام عائله بشری، بدون استثنای احدی، بدان محمّرند.^{۳۶}

بنابراین، در اندیشه امام(س) یکی از کرامت‌هایی که انسان ذاتاً از آن بهره‌مند است، کرامت برخوردار بودن از فطرت الهی و طینت پاک روحانی است که در ضمیر تمام بشر تعبیه گشته است و این خود انسان است که با اختیار خویش در مسیر کرامت و سعادت یا ذلت و شقاوت قدم می‌نهد و طریق زیبایی یا زشتی را در پیش می‌گیرد:

نفوس انسانیه در بدو فطرت و خلقت، جز محض استعداد و نفس قابلیت نیستند و عاری از هرگونه فعلیت در جانب شقاوت و سعادت هستند و پس از وقوع در تحت تصرف حرکات طبیعی جوهریه و فعلیه اختیاریه، استعدادات متبدل به فعلیت شده و تمیزات حاصل می‌گردد.^{۳۷}

۳۴. ر.ک: صحیفه امام، ج ۶، ص ۲۴۷.

۳۵. ر.ک: تقریرات فلسفه، ج ۳، صص ۳۳۸ - ۳۴۱.

۳۶. آداب الصلاة، ص ۱۱۷.

۳۷. تعلیم و تربیت از دیدگاه امام خمینی(س)، تبیان، دفتر هجدهم، ص ۱۷.

اختیار با شما است که این دو راه را اختیار کنید: یا صراط مستقیم انسانیت را، یا انحراف به چپ یا انحراف به راست.^{۳۸}

۲. هدایت انسان و نیازمندی او به هادیان رحمانی

به دیگر سخن، می‌توان کرامت را بر دو نوع ذاتی و ارزشی دانست. کرامت ذاتی انسان به اعتبار مخلوق بودن او است و کرامت ارزشی انسان به جهت جایگاه و منزلت او در هستی و به دلیل برتری او بر سایر مخلوقات است؛ به بیان دیگر، دین مبین اسلام هم به نیازهای طبیعی و دنیوی آدمی توجه کرده و کرامت‌های ذاتی بشر همچون آزادی و برابری را مدّ نظر قرار داده و هم به نیازهای معنوی و ملکوتی انسان و کرامت‌های ارزشی او عنایت خاص نشان داده است.^{۳۹} حضرت امام(س) در اشاره به کرامت ذاتی و فطری بشر فرموده:

... فطرت آزادی‌خواهی و کمال‌طلبی، که هر دو از فطرت‌های الهیه است که جمیع بشر بر آن مفطورند.^{۴۰}
اعلامیه حقوق بشر که امروزه در جهان غرب محور بیشتر فعالیت‌های جوامع گردیده است، مبتنی بر کرامت ذاتی انسان است^{۴۱} و اصولاً هر دولت یا حکومتی موظف است که حقوق فردی انسان‌ها را مورد احترام و حمایت قرار دهد و نظام اجتماعی خویش را بر محوریت توجه به کرامت و تکریم انسان متمرکز کند.^{۴۲}

اما توجه به کرامت ذاتی بشر شرط لازم حیات است، نه شرط کافی. از این رو است که اسلام علاوه بر کرامت ذاتی، به کرامت ارزشی نیز عنایت دارد و بر آن تأکید می‌ورزد و اصولاً توجه به کرامت ذاتی را پشتوانه نیل به کرامت ارزشی می‌داند. انبیای الهی و اولیای رحمانی نیز آمده‌اند تا انسان را در سایه‌سار کرامت ذاتی‌اش به کرامت‌های ارزشی معطوف سازند و از دنیا پل‌ی بسازند برای نیل ملکوت، و از ظاهر دنیا و جلوه‌های خداوندی مرآتی بسازند برای نشان دادن حقایق باطن و لطایف غیبی.

۳۸. صحیفه امام، ج ۸، ص ۳۲۷.

۳۹. ر.ک: «گفتگوی دبیرخانه همایش اسلام و حقوق بشر دوستانه بین المللی با دکتر مرتضی یوسفی راد، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و اندیشه سیاسی»، پایگاه اینترنتی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (www.isca.ac.ir).

۴۰. سرّ الصلوة، ص ۶۸.

۴۱. ر.ک: یادداشت‌های شهید مطهری، ج ۶، ص ۴۹۲.

۴۲. ر.ک: مقاله «کرامت انسان، اصل دادرسی در سوئیس»، توماس ویزر، دادستان فدرال سوئیس، برگرفته از سخنرانی وی در همایش قضات ایران و اروپا، پایگاه اینترنتی حقوق (www.hoqouq.com).

بنابراین، منظور از مبانی کرامت انسان در اندیشه عرفانی و معنوی امام(س) نوع نگرشی است که امام از این منظر به انسان دارد که هم به ماهیت انسان معطوف است و هم به جایگاه او در نظام هستی. پس از آنکه خداوند انسان را به نور فطرت آراست و طینت او را به زلال کرامت‌های بیکران خویش زیور داد و زمینه‌های کرامت را در او پدید آورد، رسولان و اولیای خویش را نیز برای هدایت او به سوی هدف خلقت و رهایی از اسارت دنیا و بیداری از خواب غفلت و رکود کمالی و معنوی فرستاد و حجت‌های خود را برای دستگیری و نجات آدمی در میان خلائق پراکند و نور هدایت را به منظور معرفت‌بخشی به انسان در فضای اجتماع بشری پرتوافشان ساخت تا زمینه‌های بروز کرامت‌های انسانی را فراهم نماید. اصل هدایت انسان و نیازمندی او به هدایت هادیان حق به این دلیل است که انسان موجودی دو بُعدی است؛ یعنی: دنیوی - اخروی، شیطانی - الهی، ظاهری - باطنی، جسمانی - روحانی و یا مادی - معنوی است و آدمی برای خلاصی از اسارت ظلمت جهل و غفلت، و تاریکی مادیت و حیوانیت یا نجات از پرتگاه شهوت و نخوت، محتاج هدایتگری اهل معرفت و بصیرت است.

انبیا - علیهم السلام - و علمای بالله و اصحاب معرفت آمدند تا مردم را از احتجاب بیرون آورند و نور فطرت آن‌ها را از ظلمات جهل خلاصی دهند و به آن‌ها کامل و کمال را بفهمانند.^{۴۳}

انسان، عصاره همه موجودات است و فشرده تمام عالم است و انبیا آمده‌اند برای این که این عصاره بالقوه را بالفعل کنند و انسان يك موجود الهی بشود. این موجود الهی تمام صفات حق تعالی در او است و جلوه‌گاه نور مقدس حق تعالی است.^{۴۴}

در نگاه امام(س) ارسال رسل و کتب، خاصه بعثت رسول اکرم(ص) و نیز قرآن کریم که صاحب منزلت، عظمت و کرامت است،^{۴۵} کرامت مطلقه الهیه برای رهایی انسان از عالم اسفل به سوی عالم اعلا می‌باشد. بعثت پیامبر که رحمت برای عالمیان است، در واقع، از شعب رحمت رحیمیه حق است و در این دار تحقق که صورت رحمت الهیه است، به آدمی عنایت شده است؛ به بیان دیگر، به موجب رحمت الهی است که

۴۳. آداب الصلاة، ص ۱۱۷.

۴۴. صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۱۵۳.

۴۵. حضرت امام(س) در بحث مربوط به ازاله نجاست وقتی به موضوع قرآن می‌رسد، پس از استناد به آیه «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» می‌نگارد: «الظاهر منه مبغوضه مس غیر الظاهر إياه بآی وجه إتفق، والمفهوم منه الحكم فيما نحن فيه، سيما أن الظاهر من الآية الكريمة أن المناط فيها غاية علو القرآن و عظمته و كرامته». (کتاب الطهارة، ج ۴، ص ۱۲۳)

این هادیان طریق نور به اذن ربوبی وارد چاه طبیعت شده‌اند تا دست اسیران عالم ملک یا دار وحشت و غربت را بگیرند و به ملکوت اعلا یا دار رحمت و کرامت رهنمون باشند:

بدان که انسان سالک را به طریق کلی دو طریق است برای وصول به مقصد اعلی و مقام قرب ربوبیت: یکی از آن دو، که مقام اولیت و اصالت دارد، سیرِ اِلَى اللَّهِ است به توجّه به مقام رحمت مطلقه و خصوصاً رحمت رحیمیّه؛ که رحمتی است که هر موجودی را به کمال لایق خود می‌رساند. و از شعب و مظاهر رحمت رحیمیّه، بعث انبیا و رسل - صلوات الله علیهم - است که هادیان سبیل و دستگیر بازماندگان‌اند؛ بلکه در نظر اهل معرفت و اصحاب قلوب، دار تحقّق صورت رحمت الهیّه است و خلاق دائماً مستغرق بحار رحمت حقّ‌اند و از آن استفاده نمی‌کنند. این کتاب بزرگ الهی که از عالم غیب الهی و قرب ربوبی نازل شده و برای استفاده ما مهجوران و خلاص ما زندانیان سجن طبیعت و مغلولان زنجیرهای پیچ در پیچ هوای نفس و آمال به صورت لفظ و کلام درآمده، از بزرگ‌ترین مظاهر رحمت مطلقه الهیّه است که ما کور و کرها از آن به هیچ وجه استفاده نکردیم و نمی‌کنیم. آن رسول ختمی و ولیّ مطلق گرامی که از محضر قدس ربوبی و محفل قرب و انس الهی به این سر منزل غربت و وحشت قدم رنجه فرموده و گرفتار معاشرت و مراودت با ابوجهل‌ها و بدتر از آن‌ها گردیده و ناله کِبغان علی قلبی‌اش دل اهل معرفت و ولایت را محترق کرده و می‌کند، رحمت واسعه و کرامت مطلقه الهیّه است که آمدن در این کلبه‌اش برای رحمت موجودات سکنه عالم اسفل ادنی است و بیرون بردن آن‌ها است از این دار وحشت و غربت، چون کبوتر مطوّقه که برای نجات رفقا خود را به دام بلا اندازد.^{۴۶}

پس وجود انبیا و نزول کتاب‌های آسمانی از دیگر کرامت‌هایی است که به انسان تعلق دارد تا او را در پرتو نور هدایت و معرفت در صراط مستقیم به سر منزل مقصود رهنمون باشد. به همین جهت است که در نگاه اسلام ناب، هدف از تشکیل حکومت اسلامی، تحقق عدالت اجتماعی است و این عدالت نیز خود مقدمه و زمینه نیل به معنویت دینی و کمالات الهی است و به بیان دیگر، تشکیل حکومت و بسط عدالت، زمینه‌ساز تحقق اخلاق کریمه و معارف و معنویات در سطح جامعه انسانی است. اگر حضرت امام(س) در بحث مربوط به شرایط زمامدار، گذشته از شرایط عامه، به دو شرط علم و عدالت نیز اشاره می‌کند،^{۴۷} برای همین منظور است که حاکم اسلامی بتواند به برکت اجرای احکام الهی و عدالت واقعی،

۴۶. آداب الصلاة، ص ۶۶.

۴۷. ولایت فقیه، ص ۴۷.

بستر اجتماع را از موانع راه کمال و آسیب‌های مرتبط با آن بزداید و زمینه‌های بروز کرامت و ارجمندی ذاتی و ارزشی انسان را مهیا نمایید.

در نگرش امام(س) تمامی دستورات و معارف دین اسلام مبتنی بر کرامت انسان و تأمین‌کننده شأن و منزلت واقعی او است و در این خصوص به همه ویژگی‌های فردی و جمعی، ظاهری و باطنی یا دنیوی و اخروی انسان توجه کرده است. ایشان در خصوص موضوع شرکت زنان در نماز جماعت به این موضوع اشاره می‌کند و احکام شرعی و فرامین الهی را همسو با شأن و کرامت انسان تفسیر می‌نماید:

این‌که وجود حائل بین زنان و مردان در نماز موجب تحقیر و توهین به شأن و کرامت زنان می‌شود، توهم و خیالی بیش نیست و اساسی ندارد.^{۴۸}

و یا در فرازی دیگر، معیار کرامت بانوان اسلامی را چنین بیان فرموده:

خداوند شما را با کرامت خلق کرده است، آزاد خلق کرده است. خداوند همان طوری که قوانینی برای محدودیت مردها در حدود این‌که فساد بر آن‌ها راه نیابد، دارد، در زن‌ها هم دارد. همه برای صلاح شما است. همه قوانین اسلامی برای صلاح جامعه است.^{۴۹}

اصولاً در اندیشه امام(س) یکی از وجوه تمایز حکومت‌های اسلامی و الهی با دیگر حکومت‌ها در این است که در حکومت‌های دینی همت بر آن است که مردم طریق کرامت را طی کنند و از سرای خاک به اوج افلاک بال‌گشایند و به مکارم انسانی و الهی متخلق شوند:

خدا می‌خواهد مردم را به اعلی‌علیین برساند. از اسفل السافلین بکشاندشان تا اعلی‌علیین، و این در غیر رژیم‌های انبیا جاهای دیگر اصلاً مطرح نیست. چه کار دارند به این‌که مردم بشوند يك مردم الهی.^{۵۰}
انبیا آمده‌اند برای تربیت انسان‌ها... می‌خواهند که این انسان را از این لجنزار بیرون بیاورند و يك انسان الهی، يك انسانی که سر تا پایش معرفت الله باشد، توحید باشد، حرکتی نکند الا به حرکت الهی.^{۵۱}

ایشان در فرازی دیگر برنامه حکومت اصیل اسلامی و هدف عالی آن را چنین ترسیم نموده است:

اگر برای عر علمی، موضوعی است - چنان‌که شما آقایان می‌فرمایید - علم همه انبیا هم موضوعش انسان است و اگر برای هر دولتی برنامه‌ای است، برنامه رسول اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - را می‌شود

۴۸. توضیح المسائل، ج ۱، ص ۸۱۱.

۴۹. صحیفه امام، ج ۶، ص ۳۰۱.

۵۰. همان، ج ۸، ص ۴۱۶.

۵۱. همان، ص ۵۲۰.

گفت همان سوره‌ای [است] که در اوّل وارد شده است، آن برنامه رسول خدا است: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. إقرأ باسم ربك الذي خلق. خلق الإنسان من علق. إقرأ وربك الأكرم. الذي علم بالقلم. علم الإنسان ما لم يعلم». تمام انبیا موضوع بحثشان، موضوع تربیتشان، موضوع علمشان انسان است. آمده‌اند انسان را تربیت کنند. آمده‌اند این موجود طبیعی را از مرتبه طبیعت به مرتبه عالی ما فوق الطبیعة، ما فوق الجبروت برسانند...^{۵۲}

۳. تهذیب نفس و عبودیت حق

همسو با اصل هدایت انسان، اصل دیگری به نام تهذیب نفس و عبودیت حق تعالی معنا پیدا می‌کند. از این رو، می‌توان گفت از دیگر کرامت‌هایی که مختص انسان است، تهذیب و تطهیر نفس از آرایش دنیا و گام نهادن در مسیر عبودیت پروردگار است. آدمی به برکت نیروی عقل که رسول باطنی است، از سایر موجودات تمایز یافت و به موجب همراهی این عقل هدایت‌گر با نفس شهوت‌طلب و دنیاگرا، در میدان امتحانی بزرگ و جهاد اکبر واقع شد تا به سبب غلبه بر خواهش‌های نفسانی و شیطانی خود سرآمد مخلوقات گردد و دلیل برتری خویش را بر سایر موجودات به اثبات رسانده، از حقیقت قدسی «إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ»^{۵۳} رازگشایی کند. امیر مؤمنان، علی (ع) فرمود: «مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ شَهْوَتُهُ»^{۵۴} آن که نفسش برایش عزت و شرف داشته باشد، شهوت در نظرش خوار و ذلیل است.

آن‌که اسباب امتیاز انسان است از سایر حیوانات، آن جهت معنویت انسان است، آن جهت روح انسان است، روح مهذب؛ روحی که تربیت شده باشد به تربیت‌های الهی. آن ارزش انسان را زیاد می‌کند و حجم معنوی را بالا می‌برد.^{۵۵}

از این رو، انسان، هم در برابر خویش موظف است که به ساختن خود قیام کند و نفس خویشتن را به کرامت‌های والای انسانی و عزت و شرافت معنوی بیاراید و هم در حدّ توان به ساختن آحاد جامعه همت بگمارد و در برخورد با دیگران کرامت انسانی آن‌ها را رعایت کند و با خلق خدا به گونه‌ای رفتار کند که مورد رضایت کریم مطلق است:

۵۲. همان، ص ۳۲۴.

۵۳. بقره / ۳۰.

۵۴. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۳۱، ح ۴۶۱۱.

۵۵. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۲۴۵.

اگر انسان الهی بشود و ادراک بکند که این بندگان راه خدا، اینها بندگان خدا هستند و باید با آنها آن کرد که خدا راضی است، اگر ما بیدار بشویم و بفهمیم که ما از خدا هستیم و به او رجوع می‌کنیم... این دو کلمه را اگر ما بفهمیم، با بندگان خدا آن طور که خدا راضی است و آن طور که امر خدا است، عمل می‌کنیم.^{۵۶}

انسانی که نفس خود را تهذیب نموده و آن را از آرایش حب به دنیا و شهوات آن پاک کرده است، اهل احسان و نیکی و ایثار است و آن گونه که شایسته است در روابط فردی و اجتماعی خود، بر اساس کرامت و جوانمردی عمل می‌کند و در واقع کسی که خلعت کرامت و شرافت را بر تن آراسته، برکات آن نه تنها به خود و خانواده‌اش؛ که به جامعه بشری نیز خواهد رسید و موجبات بسط و گسترش اصولی چون: رحمت، عدالت، تقوا، احسان و ایثار، انس و الفت، تعهد و وفای به عهد در میان دیگران می‌گردد.

حضرت امام(س) در بحث مربوط به ارکان چهارگانه توحید، اولین رکن را تحمید معرفی می‌کند و در ضمن آن به این نکته متذکر می‌شود که همه عطاها و بخشش‌ها همگی ظهور کرامت و عطای حق است. ایشان در منزل اول توحید و شرح نخستین رکن سلوک توحیدی، سالک الی الله را به نکات مهمی متوجه می‌سازد و می‌فرماید:

بدان ای عزیز که خدایت به راه راست هدایت فرماید که توحید را چهار رکن است... رکن اول، عبارت از تحمید است و آن مقام توحید افعال است که همان درجه ظاهر او است و دو توحید دیگر، یعنی توحید صفتی و توحید ذاتی درجه باطن او است؛ زیرا تحمید عبارت از آن است که همه ستایش‌ها و ثناها به خدای تعالی بازگردد و از غیر او جلّ جلاله استحقاق هر گونه ستایش و ثنا نفی شود و این معنا تحقق نمی‌یابد، مگر به این که همه کارهای نیک و صالح و تمامی عطاها و جمله بخشش‌ها از او باشد و آن به این است که بنده‌ای که در شهود چنین مقامی است، باید همه عطاها و بخشش‌هایی را که در صورت کثرت تفصیلی است، همه را ظهور عطای مطلق حق ببیند که عطای حق عبارت است از مشیت مطلقه و مشیت مطلق همان وجه الله است که در صاحب وجه، فانی است.

پس در عالم وجود نه صاحب جمالی هست و نه فاعل جمیل تا آن که به خاطر زیبایی‌اش و یا کار زیبایش مورد ستایش قرار گیرد، مگر همان زیبای مطلق...^{۵۷}

۵۶. همان، ج ۱۳، ص ۵۰۹.

۵۷. مصباح الهدایة إلى الخلافة والولاية، ص ۱۸۴ - ۱۸۵؛ مفتاح نور (شرح اصطلاحات عرفانی امام خمینی)، ص ۱۷۹.

اساساً نفس توجه به کرامت و سعادت عوالم غیبیه، مصروف کننده نگاه قلب به باطن عالم و مایه تطهیر و آراسته شدن آدمی به صفات متعالی و کرائم بزرگ انسانی می‌شود. سالک الهی باید بداند که از دار کرامت آمده و به برکت عبودیت خالصانه و توأم با معرفت، بایسته است که خود را به اخلاق الله متخلق کند تا شایستگی حضور در فردوس برین را که محل امن و دار کرامت الهی است، بیابد. حضرت امام(س) در بحث «سرّ طهارت لباس» می‌فرماید:

این مرتبه از تطهیر (طهارت قلب از حبّ دنیا) حاصل نشود جز به علم نافع و ریاضات قویّه قلبیه و صرف همت در تفکر در مبدأ و معاد و مشغول نمودن قلب به اعتبار در افول و خراب دنیا و کرامت و سعادت عوالم غیبیه: رحم الله امرأ علم من این و فی این و إلى این...^{۵۸} سالک باید بداند از دار کرامت الله آمده و در دار عبادت الله واقع است و به دار جزاء الله خواهد رفت. عارف گوید: من الله و فی الله و الی الله. پس، سالک باید به خود بفهماند و به ذائقه روح بچشاند که دار طبیعت مسجد عبادت حق است و او برای همین مقصد در این نشئه آمده؛ چنانچه حق تعالی جلت عظمته فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ». و چون دار طبیعت را مسجد عبادت یافت و خود را معتکف در آن دانست، باید به آداب آن قیام و از غیر تذکر حق صائم شود و از مسجد عبودیت خارج نشود، مگر به قدر حاجت. و چون قضای حاجت شد، عود کند و با غیر حق انس نگیرد و دلبستگی به غیر پیدا نکند که این‌ها خلاف آداب عکوف به باب الله است.^{۵۹}

بنابراین، در سرای طبیعت آنچه می‌تواند انسان را به زیور کرامت‌ها بیاراید و او را سزاوار تکریم و تعظیم نماید، عبودیت و معرفت حق است:

بدون معرفت و عبودیت حق هیچ يك از بندگان به مقامات کمالیه و مدارج اخرویه نرسند؛ چنانچه در محل خود پیش علمای آخرت مبرهن است و عامه از آن غفلت دارند و مدارج اخرویه را جزاف یا شبه جزاف دانند - تعالی الله عن ذلك علواً کبیراً - حق تعالی به لطف شامل و رحمت واسعه خود بانی از رحمت و دری از عنایت به روی آن‌ها باز کرد، به تعلیمات غیبیه و وحی و الهام به توسط ملائکه و انبیا، و آن، باب عبادت و معرفت است. طرق عبادت خود را بر بندگان آموخت و راهی از معارف بر آن‌ها گشود تا رفع نقصان خویش حتی الامکان بنمایند و تحصیل کمال ممکن بکنند و از پرتو نور بندگی هدایت شوند به عالم کرامت حق و به روح و ریحان و جنت نعیم؛ بلکه به رضوان الله اکبر رسند. پس فتح باب عبادت و

۵۸. آداب الصلوة، ص ۹۳.

۵۹. همان، ص ۱۰۲؛ همچنین رك: شرح دعاء السحر، ص ۳۶ و ۱۹۶؛ شرح چهل حدیث، صص ۴۱، ۴۲ و ۱۲۱.

عبودیت، یکی از نعمت‌های بزرگی است که تمام موجودات رهین آن نعمت‌اند و شکر آن نعمت را نتوانند کنند؛ بلکه هر شکرى فتح باب کرامتی است که از شکر آن نیز عاجزند.^{۶۰}

در اندیشه امام(س) توجه به نفس اماره، موجب سلب توجه انسان از دار کرامت حق تعالی است و در مقابل، سرمنشأ اصلاح نفس و تخلق به اخلاق کریمانه یا تجلی کرامت‌های انسانی در ضمیر آدمی نیز توجه به جانب حق، اولیای او و دار کرامت الله است:

هر چه توجه نفس به دنیا بیشتر گردد، به همان اندازه از توجه به حق و عالم آخرت غافل گردد؛ چنانچه اگر رکون نفس به کلی به دنیا شد و وجهه آن مادی و دنیایى گردید، سلب توجه از حق تعالی و دار کرامت او به کلی گردد و «أخذ إلى الارض و اتبع هواه»^{۶۱} شود^{۶۲} ... حبّ به دنیا، سرمنشأ هر خطیئه است؛ چنانچه تمام اصلاحات نفسانی و اخلاقی و اعمالی، از توجه به حق و دار کرامت آن و از بی‌علاقگی به دنیا و عدم رکون و اعتماد به زخارف آن است^{۶۳} ...، از مهمات امور، مواظبت به این امر است که انسان حالت قلب را الهی کند و وجهه آن را به جانب حق و اولیای او و دار کرامت او متوجه کند.^{۶۴}

شایان توجه است که انسان‌ها با یکدیگر متفاوت‌اند؛ برخی فقط با داشتن ثروت اصلاح می‌شوند و برخی تنها در صورت ابتلا به فقر قدم بر طریق صلاح و فلاح می‌نهند. به همین جهت است که برای مؤمن بالله هر دو صفت فقر و غنا، مایه کرامت و شرافت است. حضرت امام(س) در پاسخ به این شبهه که اگر اهل ایمان این قدر در پیشگاه الهی مقام و منزلت دارد، پس چرا عده‌ای از آن‌ها فقیر و برخی دیگر ثروتمندند، می‌فرماید:

و بدان که ذکر این جمله^{۶۵} در این مقام برای رفع اشتباه و جواب مظنه سؤالی است که شاید نوع مردم، که عارف به نظام اتمّ و قضای کامن الهی نیستند، این اشتباه و سؤال را دارند. و آن این است که بعد از آن که بنده مؤمن در پیشگاه حق تعالی این قدر مقام و منزلت دارد، برای چه به فقر و فلاکت مبتلا می‌شوند؟ و

۶۰. شرح چهل حدیث، ص ۲۲۴.

۶۱. اعراف / ۱۷۶.

۶۲. شرح چهل حدیث، ص ۲۳۹؛ همچنین رك: شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۱۷۴.

۶۳. همان، ص ۲۴۰.

۶۴. همان، ص ۴۶۲.

۶۵. منظور، فرازی از حدیث قدسی است که آن را امام محمد باقر(ع) از زبان رسول اکرم(ص) در جریان معراج نقل کرده است و آن عبارت، این بخش از حدیث قدسی که فرموده: «...وإنّ من عبادى المؤمنین من لا [یصلحه] إلا الغنى ... وإنّ من عبادى المؤمنین من لا [یصلحه] إلا الفقر...».

(الکافی، ج ۲، ص ۳۵۲، ح ۸)

اگر دنیا قابل نیست، چرا بعضی‌ها غنی و ثروتمند می‌شوند؟ [خداوند] جواب می‌دهد که حالات بندگان من و احوال قلوب آن‌ها مختلف است: بعضی آن‌ها را غیر از فقر هیچ چیز اصلاح نمی‌کند؛ او را فقیر کنم برای اصلاح حالش. و بعضی‌ها را جز بی‌نیازی و ثروت اصلاح نکند؛ آن‌ها را ثروتمند کنم. و این هر دو، کرامت مؤمن و عزّ و جاه او است در درگاه مقدس حق تبارک و تعالی.^{۶۶}

به هر حال، نشانه کریمان و مؤمنان راستین آن است که اگر توجه به دنیا دارند و نعمات آن را می‌خواهند و یا اگر بهشت را از آستان حق تعالی می‌طلبند، نه از آن جهت که بهشت است، بلکه از آن جهت که دار کرامت او است، طالب آن‌اند و یا اگر به دنیا و یا آخرت توجهی نشان می‌دهند، از آن رو است که همه چیز از حق تعالی است و وسیله‌ای برای معرفت و تقرب به حضرت دوست و انقطاع از کثرات وجود می‌باشد:

علی بن ابی طالب، سرحلقه عشاق خدا، بهشت را برای بهشت نمی‌خواهد؛ چون دار کرامت است، می‌خواهد. ما بیچاره‌ها هر چه می‌خواهیم، برای خود می‌خواهیم. خدا را هم برای خود می‌خواهیم. عشاق جمال ازل، هر چه می‌خواهند، برای دوست می‌خواهند. بهشت را هم چون دار کرامت است، می‌خواهند، نه چون جای خورد و خوراک حیوانی [است]. ما حیوانات، چراگاه بهشت و مراتع آن را می‌خواهیم و در بهشت هم بیش از آن مقامی نداریم. آنان بهشت و هر چه هست [را] برای دوست می‌خواهند و همه چیز را وسیله برای دوست و معرفت و انقطاع به کوی او قرار می‌دهند.^{۶۷}

۴. نعمت‌های ظاهری و باطنی

یکی از کرامت‌های انسان که دیگر موجودات از آن بهره‌ای ندارند، لباس ظاهری او است. در میان موجودات فقط انسان است که لباس بر تن می‌کند و بدن خویش را می‌پوشاند. از این‌که شیطان در بهشت لباس را از آدم (ع) و حوا (س) برگرفت و آن‌ها را از جنت حق تعالی بیرون کرد، میزان اهمیت پوشش ظاهری و نقش آن در کمال باطنی دانسته می‌شود؛ چنان‌که از نوع پوشش و لباس افراد می‌توان به شخصیت و حالات روحی و روانی آنان پی‌برد.

۶۶. شرح چهل حدیث، ص ۵۸۳.

۶۷. شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۳۶۵؛ همچنین ر. ک: تقریرات فلسفه، ج ۳، صص ۲۲۹ - ۲۳۴؛ حضرت امام (س) در بحث مربوط به معنای اخلاص حقیقی و میزان اعتبار خلوص در عبادات، می‌فرماید: «و من کان ناظراً إلى إضافة الله و إلى کرامة المولى لا إلى متعلقاتها فهو لبس من الأجراء و لا الحرصاء، بل هو من العرفاء بالله و المخلصین من أولیائه - تعالی». (المکاسب المحرمة، ج ۲، ص ۲۷۶)

پس پوشش مناسب و کافی، خود گامی است برای حرکت در راستای فضایل انسانی و تخلیق به آداب و منش الهی. در واقع، آدمی باید به برکت لباس ظاهری، خویشتن را به لباس باطنی، یعنی تقوای الهی، بیاراید. از این رو، لباسی که انسان را از کرائم انسانی دور کند و از ذکر ربوبی غافل سازد، شایسته و سزاوار مقام آدمی نیست. آنچه امروزه در خصوص بلایا و مشکلات روحی و روانی بشر در جهان غرب شاهد آن هستیم، از جمله عواملش عدم توجه به پوشش مناسب و جامه درخور کرامت انسان است که به فقر معنوی و کمالی آنان انجامیده است. حضرت امام(س) در بیان اهمیت و آداب لباس و اسرار آن می‌فرماید:

مزین‌ترین لباس‌ها برای مؤمنین، لباس تقوا است و نرم‌ترین لباس برای آن‌ها لباس ایمان است؛ چنانچه خدای تعالی فرماید: «لباس تقوا، بهترین لباس است». و اما لباس ظاهر، از نعمت‌های خدا است که ستر عورت بنی آدم کند و این کرامت، خاصّ ذرّیه آدم - علیه السلام - [است] و به دیگر موجودات عطا نفرموده؛ ولی مؤمنین نیز این نعمت را صرف اداء واجبات الهیه نمایند.

و نیکوترین لباس تو آن است که تو را از یاد خدا غافل نکند و مشغول به غیر نماید؛ بلکه به شکر و ذکر و طاعتش نزدیک کند. پس باید در ماده و هیئت لباس از آنچه موجب غفلت و بُعد از ساحت قدس حق است، احتراز کنی و بدانی که در لباس‌ها، بلکه در کلیّه امور عادیّه، اموری است که انسان را از حق غافل و به دنیا مشغول کند و در قلب ضعیف تو تأثیرات بدی نماید و به عجب و ریا و تزین و فخریّه و کبر مبتلا کند؛ که همه آفات دین است و باعث قساوت قلب است.^{۶۸}

شایان توجه است که نعمت‌های ظاهری و باطنی نباید انسان را از توجه و نیل به کرامت انسانی غافل سازد؛ بلکه بایسته است که سالک طریق دوست در همه مظاهر الهی، پروردگار خویش را بجوید و به صاحب کرامت و نعمت توجه کند تا در نعمات دنیوی و کرامت‌های باطنی رکود پیدا ننماید و از نعمت انس و خلوت با محبوب محروم نگردد:

و سالک إلى الله را در همه مقامات سلوک، مهمّ دیگر است که غفلت از آن به هیچ وجه روا نباشد؛ بلکه غایت سلوک و لبّ لباب آن همین مهم است و آن، آن است که در جمیع حالات و مقامات از ذکر حق غافل نشود و از جمیع مناسک و عبادات، معرفه الله را طلب کند و در همه مظاهر، خداجو باشد و نعمت و کرامت، او را از صحبت و خلوت باز ندارد که این يك نوع استدراج است.^{۶۹}

۶۸. آداب الصلاة، ص ۹۹.

۶۹. همان، ص ۱۰۴.

۵. وصول به جنت کرامت

ابعاد شرافت کرامت انسان به این دنیا محدود نمی‌شود و فضای وجود آدمی در سرای آخرت نیز عرصه ظهور و بروز کرامت‌های انسانی است؛ البته دنیا مزرعه آخرت است و آنچه از اوصاف و خصال ستوده و یا اخلاق و کردار ناپسند که در این جهان به آن متخلق می‌شویم، در سرای دیگر که «یوم ثبلی السرائر»^{۷۰} است، ظهور و بروز می‌یابند؛ چنان که تاج کرامت و شرافت در سرای ملکوت از آن کسی است که در دنیا به آیات نورانی قرآن جامه عمل پوشانده و گفتار و رفتار و حالات خود را بر اساس آن اصلاح نموده است. در احادیث اسلامی آمده است که روز قیامت قرآن کریم در محضر حق تعالی اظهار می‌دارد:

خداوند! هر عاملی اجر عملش را گرفت، غیر از عامل به من. پس بهترین عطایای خود را به او برسان.

آن‌گاه خدای تعالی به او دو حله از حله‌های بهشتی ببوشاند و بر سر او تاج کرامت نهد...^{۷۱}

آری به برکت وجود عاملان به قرآن و حاملان واقعی این کتاب آسمانی است که خداوند ابر رحمت خویش را بر سر خلائق می‌گسترده و به موجب حضور پُر نور و سُورور آنان است که توفان عذاب و تندباد بلا یا به سوی زندگانی انسان‌ها سرازیر نمی‌شود و در پناه لطف و رحمت الهی قرار می‌گیرند و به میمنت وجود سرشار از مجد و کرامت بندگان خالص ربوبی که از رهگذر رفع حجب سبعة به منتهای کرامت نایل گشته‌اند^{۷۲} و از جام رحمت و کرامت حق سرمست شده‌اند،^{۷۳} اجتماع انسانی از بسیاری بلیات گُشنده و گزندهای شیطانی و بنیان‌کن در امان می‌ماند:

خلوص تام، آن است که شوب به کثرات اسمائی و صفاتی هم نداشته باشد و این، موجب حبّ تام است و محبوب مطلق محبوب از وصال نخواهد شد در شریعت عشق، و بین او و محبوبش حجابی نخواهد ماند. و بدین بیان می‌توان ربط داد بین دو سؤال جناب موسی - علیه السلام - زیرا که پس از آن که آن حضرت شنید که حق تعالی فرمود من جلیس ذاکرم هستم، وعده وصال و وصول به جمال که در دل داشت، از محبوب شنید. خواست ارباب وصال را استقصا کند تا به همه شئون قیام به وظیفه نماید، عرض کرد: فَمَنْ فِي سِتْرِكَ يَوْمَ لَا سِتْرَ إِلَّا سِتْرُكَ؟ کیان‌اند در پناه تو که از تعلقات رسته و در قید حجب نیستند و به وصال

۷۰. طارق / ۹.

۷۱. شرح چهل حدیث، ص ۴۹۸.

۷۲. رك: سرّ الصلوة، ص ۷۹.

۷۳. رك: همان، ص ۵۹.

جمال جمیل تو رسند؟ فرماید: دو طایفه: آنهایی که متذکر من اند ابتدائاً یا آن که در راه من با یکدیگر محبت ورزند، که آن نیز تذکر من است در مظهر جمال تام من، یعنی انسان. اینها در پناه من و جلیس من اند و من جلیس آنانم. پس معلوم شد که از برای این دو طایفه يك خصلت بزرگ است و نتیجه آن، يك خصلت بزرگ دیگر؛ زیرا که حق تعالی یاد آنها کند و آنها محبوب حق شوند و نتیجه، آن است که در ستر و پناه حق واقع شوند در روزی که ستری نیست، و جلیس آنها حق باشد در خلوتگاه مطلق. و دیگر از خصلتها آن است که خداوند عزّت به واسطه کرامت آنها رفع عذاب از بندگان خود فرماید؛ یعنی تا آنها بین بندگان هستند، به واسطه آنها عذاب و بلیات فرو نفرستند.^{۷۴}

در اندیشه عرفانی امام(س) والاترین درجه کرامت و ارجمندی به مجاهدان فی سبیل الله تعلق دارد که شرح و بیان فضیلت آن از عهده بشر عادی خارج است:

وإنّ الجهاد بابٌ من أبواب الجنة فتحة الله لخاصة أوليائه. این فضیلت بزرگ در بین فضایل بی شماری که برای مجاهدان فی سبیل الله نقل شده، بیشتر جلب توجه می کند. این واژه با همان معنای عرفی خود - نه اسرار عرفانی که دست ما از آنها کوتاه است - بی شک، گفتار و نوشتار بشر عادی از بیان آنها عاجز است. این مدال الهی بر بازوان مجاهدان، چون خورشید در نزد صاحبان اسرار غیبی و ملکوتی می درخشد. مگر این جلوه همان خلقت نیست که ابراهیم خلیل الرحمن را مفتخر کرد؟ و بارقه ای از مقام حبیب الهی نیست که در تارك افضل موجودات می درخشد؟ و مگر نازل مقام ولی الله نیست از امیر المؤمنین تا خاتم الاولیاء که به آن، اولیاء الله مشرف شده؟ اگر هست، که هست، با چه بیان می توان حول آن گردید و با کدام چشم بشری می شود این جلوه را دید؟ پس بهتر این که من قاصر با تقدیم «السلام علیکم یا خاصة أولیاء الله» دم فروبندم. و این کرامت بزرگ، برای مجاهدان فی سبیل الله است، چه شهید یا پیروز شوند یا نشوند.^{۷۵}

پس جهاد در راه خدا و مجاهدت در مسیر پاسداری از دین الهی، کرامتی است که سرآمد همه کرامت های انسانی است و درك منزلت و شأن آن در پیشگاه الهی از عهده بشر عادی خارج است. به جهت همین کرامت روحانی است که پیکر پاک شهیدان نیاز به غسل ندارد؛ زیرا شرافت و کرامت روحی و طهارت معنوی آنان به قدری است که حتی بدنشان را هم تحت الشعاع خود قرار می دهد و دیگر نیاز

۷۴. شرح چهل حدیث، ص ۲۹۰.

۷۵. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۱۷۹.

به شستشوی جسمانی نخواهند داشت. حضرت امام(س) در بحث مربوط به «حکم من لا یجب تغسیله بعد الموت» می‌فرماید:

إما لتقدیم غسله علی موته کالمرجوم، أو لکونه شهیداً لا یغسل کرامةً، أو لکونه کافراً لا یغسل إهانةً؛^{۷۶}
دلیل عدم نیازمندی انسان مُرده به غسل، یا به این جهت است که قبل از مرگش غسل داده شده است، مانند کسی که سنگسار شده، و یا به این دلیل است که شهید است و شهید به موجب کرامتی که دارد، نیازی به غسل ندارد و یا آن‌که چون کافر است، از باب این‌که مورد اهانت واقع شود، او را غسل نمی‌دهند.

سخن آخر

شکل‌گیری انقلاب اسلامی به برکت رهبری‌های الهی امام خمینی(س) و تأسیس جمهوری اسلامی ایران، بزرگ‌ترین معجزه قرن است که عالی‌ترین مقصد آن تحقق کرامت انسانی در سایه عدالت و معنویت برای تمامی ملل مستضعف جهان و آزادگان و ستم‌دیدگان عالم می‌باشد. یکی از آرمان‌های دلسوختگان انقلاب و شاگردان صدیق آن رهبر بزرگ، آن است که شالوده این نظام مقدس بر اساس اندیشه‌های متعالی امام راحل(س) بنا گردد و راه و یاد آن عزیز سفر کرده همواره زنده و پاینده بماند؛ چنان که بحمد الله خلف صالح و شاگرد صدیق آن معمار بزرگ، حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای - مدّ ظله العالی - پیوسته بر این امر تأکید و سفارش داشته و دارند و در فرازهای عدیده از بیانات گرانقدر خویش ترسیم‌گر اصول بنیادین انقلاب و استمراربخش اهداف و اندیشه‌های نورانی امام خمینی(س) بوده و هستند. ایشان در بخش‌هایی از سخنان گهربار خود فرموده‌اند:

امام خمینی يك حقیقت همیشه زنده است. نام او پرچم این انقلاب، و راه او راه این انقلاب، و هدف او اهداف این انقلاب است. راه او راه ما، هدف او هدف ما، و رهنمودهای او مشعل فروزنده ماست...^{۷۷} این عصر را باید عصر امام خمینی نامید و ویژگی آن عبارت است از پیدایش و جرأت و اعتماد به نفس ملت‌ها در برابر زورگویی ابرقدرت‌ها و شکستن بت‌های قدرت ظالمانه و بالتدگی نهال قدرت واقعی انسان‌ها و سربرآوردن ارزش‌های معنوی و الهی^{۷۸} ... انقلاب و نظام اسلامی ما معجزه بزرگ اسلام ناب و انقلاب

۷۶. کتاب الطهارة، ج ۳، ص ۱۸۰.

۷۷. امام خمینی از دیدگاه مقام معظم رهبری، ص ۱۴.

۷۸. چشمه نور، ص ۹۹.

بود که از اخلاص امام عظیم الشان، آن بنده صالح و رهبر حقیقی و پیرو خطّ پیامبران الهی نشأت گرفت و ما راه امام را با قاطعیت ادامه خواهیم داد.^{۷۹}

اینک در پایان این نوشتار، به ارائه نتایج و پیامدهای مباحث حاضر می‌پردازیم و در این خصوص، به ذکر چند نکته مهم و کاربردی بسنده می‌کنیم:

۱. ویژگی اندیشه عرفانی امام(س) آن است که می‌کوشد تا آموزه‌های اخلاقی و عرفانی را به ساحت عمل بکشانند و ثمره شیرین معارف الهی را عاید جامعه اسلامی و انسانی نماید. از این رو، بحث از کرامت انسانی و مبانی آن، مقدمه ورود به بحث کاربردی کردن این اندیشه‌های ناب در عرصه‌های گوناگون جامعه است تا آن‌که نظام جمهوری اسلامی از هر گونه کجی و نارسایی مصونیت یابد و هر روز به صلاح و فلاح نزدیک‌تر شود. به همین جهت است که بزرگ‌ترین پیام امام(س) را در حوزه کرامت انسانی باید در این فراز بلند از وصیت‌نامه الهی ایشان جست که فرموده:

از بالاترین و والاترین حوزه‌هایی که لازم است به طور همگانی مورد تعلیم و تعلّم قرار گیرد، علوم معنوی اسلامی، از قبیل علم اخلاق و تهذیب نفس و سیر و سلوک الی الله - رزقنا الله و إياکم - که جهاد اکبر می‌باشد، [است].^{۸۰}

۲. امام(س) در فرازهای عدیده در توصیه به همگان میزان و ملاک عظمت انسان را در بهره‌مندی او از روحانیت و معنویت و تخلق به اخلاق الله می‌داند و رهروان طریق اسلام و انقلاب را از دنیاگرایی برحذر می‌دارد و به بُعد روحی و باطنی انسان متوجه می‌سازد تا حقیقت شأن و مقام آدمی متجلی شود و کرامت واقعی و ثمرات مبارک آن، در عرصه جامعه تحقق یابد:

عظمت انسان به روحیت روح انسان است. عظمت انسان به اخلاق و رفتار و کردار انسان است، نه به این‌که اتومبیلش سیستم کذا باشد، نه به این‌که گارد داشته باشد، نه به این‌که خدمه داشته باشد. این‌ها عظمت انسان نیست. این‌ها انسان را منحط می‌کند از آن مقامی که دارد.^{۸۱}

۳. برای نزدیک شدن به راه و هدف امام(س)، شایسته و بایسته است که مسئولان امر در ارائه طرح‌ها و برنامه‌ریزی‌های گوناگون در عرصه‌های مختلف: سیاسی، اجتماعی، آموزشی و اقتصادی به مبانی

۷۹. همان، ص ۱۴۴.

۸۰. وصیت سیاسی - الهی امام یا مسئولیت امت از دیدگاه امام(س)، ص ۱۰۶.

۸۱. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۴۸۷ و ۴۸۸.

کرامت انسانی برخاسته از اندیشه‌های ناب ایشان توجه نمایند تا بنای ماندگار انقلاب اسلامی بر پایه‌های استوار و بنیان مرصوص اندیشه‌های تابناک حضرتش بنا گردد و مدینه فاضله روح الله در ساحت عمل جامه ظهور بر تن پوشد؛ چنان‌که به اذعان امام راحل(س) علم حقیقی آن است که همسو با کرامت انسانی و در راستای نیل به آن باشد:

میزان در علم، حصول مفهومات کلیه و اصطلاحات علمیه نیست؛ بلکه میزان آن رفع حجز از چشم بصیرت نفس است و فتح باب معرفه الله است، و علم حقیقی آن است که چراغ هدایت ملکوت و صراط مستقیم تقرب حق و دار کرامت او باشد.^{۸۲}

۴. انقلاب اسلامی ایران، انقلاب مبتنی بر کرامت انسانی و الهی است و مسئولان زحمت‌کش و صدیق آن نیز دارای کرامت و شرافت‌اند و ملت بزرگ ایران هم از خدمتگزاران عرصه کرامت و بزرگواری چیزی جز مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی، ایستادگی در برابر ستمکاران و حمایت از مظلومان و محرومان نمی‌خواهند. آری، نظام جمهوری اسلامی ایران که به دستان معمار کبیرش، حضرت امام خمینی(س)، بنا گشته و در پرتو رهنمودهای حکیمانه و رهبری‌های مدیرانه خلف صالح روح الله، حضرت آیه الله العظمی خامنه‌ای - مدّ ظلّه العالی - راه و هدف متعالی آن یار سفر کرده را دنبال می‌کند، نظامی مبتنی بر کرائم انسانی و خصال ستوده الهی است که آرمانی سوای تحقق عدالت و معنویت دینی و بسط عزت و کرامت واقعی ندارد و انتظار مردم هم از کارگزاران این نظام مقدس چیزی جز این نیست:

شما در جامعه هیبت و شوکت دارید. ملت اسلام به شما احترام می‌گذارند و برای شما کرامت قائل‌اند. این مهابت و عزتی که در جامعه دارید، برای این است که از شما انتظار می‌رود که در برابر ظلمه به حق قیام کنید و حقّ ستمدیدگان را از ظالم بگیرید. به شما امیدوارند که قیام نمایید و از تعدی ظلمه جلوگیری کنید.^{۸۳}

۵. از جمله کرامت‌هایی که لازم است آحاد جامعه اسلامی ما خود را به آن متخلق کنند و مردم و مسئولان توأمان به آن توجه داشته باشند تا بتوانیم کشوری مزین به نور کرامت الهی و انسانی بنا نهیم، وحدت کلمه و همدلی و اتحاد در مسیر نیل به اهداف متعالی انقلاب است:

۸۲. شرح چهل حدیث، ص ۳۷۳.

۸۳. ولایت فقیه، ص ۱۲۰.

یکی از کرامت‌هایی که اهل بهشت دارند، آن برادری و دوستی و محبت است و این باید از این‌جا تهیه بشود. چرا ما با برادرهای ایمانی‌مان با برادرهایی که همه صالح‌اند، خوب‌اند، می‌خواهند خدمت کنند، چرا مخالف باشیم؟... و من امیدوارم که انعکاس این دولت و مجلس و قوای ثلاثه‌ای که هست و همه ارتشی‌ها، انعکاس برادری‌شان در بهشت باشد و در بهشت همه با هم برادر و در سریرها روبه‌روی یکدیگر نشسته باشند.^{۸۴}

اینک، حسن ختام این نوشتار را با دعای روح‌نواز و کلام مسیحایی آن روح خدا که کرامت انسانی را به تمامه در حیات طیبه خویش متبلور ساخت و پیوسته همگان را به حرکت در صراط مستقیم انسانیت و نیل به دار کرامت و شرافت فرامی‌خواند و همواره به وارستگی از سرای طبیعت، تخلق به معنویت و بصیرت قلبی، و در نهایت، وصول به عزّ قدس ربوبی توصیه می‌فرمود، به پایان می‌رسانیم:

بار خداوندا که ما بندگان ضعیف را بی‌سابقه خدمت و طاعتی یا احتیاج به بندگی و عبادتی، با تفضّل و عنایت و محض رحمت و کرامت لباس هستی پوشانیدی و به انواع نعمت‌های روحانی و جسمانی و اصناف رحمت‌های باطنی و ظاهری مفتخر فرمودی، بی‌آن‌که از نبود ما خللی در قدرت و قوّت تو راه یابد، یا از بود ما به عظمت و حشمت تو چیزی افزاید. اکنون که سرچشمه رحمانیت تو جوشید و چشم خورشید جمال جمیل تو درخشید و ما را به بحار رحمت مستغرق و به انوار جمال منور فرمود، نقایص و خطیئات و گناهان و تقصیرات ما را نیز به نور توفیق باطنی و دستگیری و هدایت سرّی جبران فرما، و دل سر تا پا تعلق ما را از تعلّقات دنیاویّه برهان و به تعلق به عزّ قدس خود آراسته نما.^{۸۵}

۸۴. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۱۴۱.

۸۵. آداب الصلاة، ص ۳۸۰.

منابع و مأخذ

• کتاب

۱. قرآن کریم
۲. آداب الصلوة، امام خمینی(س)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س)، چاپ هفتم، بهار ۱۳۷۸ش.
۳. امامت و انسان کامل، تبیان، دفتر چهل و دوم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س)، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۱ش.
۴. امام خمینی از دیدگاه مقام معظم رهبری، قدرت الله بهرامی، قم، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۱ش.
۵. انسان‌شناسی در اندیشه امام خمینی(س)، تبیان، دفتر چهل و سوم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س)، چاپ اول، ۱۳۸۵ش.
۶. شرح دعای سحر، امام خمینی(س)، ترجمه: سید احمد فهری، تهران، انتشارات فیض کاشانی، چاپ اول، ۱۳۷۶ش.
۷. ترجمه المنجد، ترجمه مصطفی اردستانی، ۲ جلد، تهران، انتشارات صبا، چاپ اول، تابستان ۱۳۷۷ش.
۸. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، عبد الواحد بن محمد تمیمی آمدی، محقق: المصطفی الدرایتی، قم، مکتب الإعلام الاسلامی، الطبعة الأولى، ۱۳۶۶ش.
۹. تعلیم و تربیت از دیدگاه امام خمینی(س)، تبیان، دفتر هجدهم، تدوین: مجتبی فراهانی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س)، چاپ دوم، پاییز ۱۳۷۸ش.
۱۰. تقریرات فلسفه امام خمینی(س)، سید عبد الغنی اردبیلی، ۳ جلد، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س)، چاپ اول، بهار ۱۳۸۱ش.
۱۱. توضیح المسائل، امام خمینی(س)، ۲ جلد، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، الطبعة الثامنة، ۱۴۲۴ق.
۱۲. چشمه نور، تهران، مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، چاپ اول، بهار ۱۳۷۴ش.

۱۳. *سرّ الصلوة* (معراج السالكين و صلاة العارفين)، امام خمینی (س)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ ششم، تابستان ۱۳۷۸ ش.
۱۴. *شرح اصطلاحات تصوف*، سید صادق گوهرین، ۱۰ جلد، تهران، انتشارات زوّار، چاپ اوّل، بهار ۱۳۸۰ ش.
۱۵. *شرح چهل حدیث*، امام خمینی (س)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ اوّل، پاییز ۱۳۷۱ ش.
۱۶. *شرح حدیث جنود عقل و جهل*، امام خمینی (س)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ سوم، ۱۳۷۸ ش.
۱۷. *صحیفه امام* (بیانات، پیامها، مصاحبهها، احکام، اجازات شرعی و نامهها)، ۲۲ جلد، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
۱۸. *فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی*، سید جعفر سجادی، تهران، کتابخانه طهوری، ۱۳۷۰ ش.
۱۹. *فرهنگ فارسی*، محمد معین، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ هشتم، ۱۳۷۱ ش.
۲۰. *الکافی*، محمد بن یعقوب کلینی، ۸ جلد، تهران، دار الکتب الإسلامية، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ ش.
۲۱. *کتاب الطهارة*، امام خمینی (س)، ۴ جلد، مؤسسه تنظیم و نشر آثار الإمام الخمينی (س)، الطبعة الحديثة.
۲۲. *کتاب العین*، خلیل بن احمد فراهیدی، ۸ جلد، قم، انتشارات دار الهجرة، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.
۲۳. *کنز العمال*، علاء الدین علی المتقی بن حسام الدین الهندی، بیروت، مؤسسه رساله، ۱۴۰۱ ق.
۲۴. *لسان العرب*، ابن منظور، ۱۵ جلد، بیروت، انتشارات دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.
۲۵. *مجمع البحرين*، ۶ جلد، فخر الدین طریحی، تهران، انتشارات کتاب فروشی مرتضوی، چاپ دوم، ۱۳۶۵ ش.
۲۶. *مصباح الهدایة إلى الخلافة و الولاية*، امام خمینی (س)، ترجمه: سید احمد فهری، تهران، پیام آزادی، چاپ جدید، ۱۳۶۸ ش.
۲۷. *مفتاح نور* (شرح اصطلاحات عرفانی امام خمینی (س) به ضمیمه فهرست موضوعات)، تحقیق و تنظیم: علی تاجدینی، تهران، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اوّل، ۱۳۷۰ ش.

۲۸. المکاسب المحرمة، امام خمینی(س)، ۲ جلد، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار الإمام الخمينی(س)،
الطبعة الأولى، ۱۴۱۵ق.

۲۹. الميزان في تفسير القرآن، سيد محمد حسين طباطبائي، ۲۰ جلد، قم، مؤسسه اسماعيليان، چاپ
چهارم.

۳۰. وصيت سياسى - الهى امام يا مسئوليت امت از دیدگاه امام(س)، تنظيم: على آل اسحاق
خوئینی، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، مرداد ۱۳۷۰ش.

۳۱. ولايت فقيه، امام خمینی(س)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س)، چاپ دوازدهم،
تابستان ۱۳۸۱ش.

• نرم افزار

۱. جامع فقه اهل البيت(عليهم السلام)، قم، تولید مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۲. کتابخانه آثار امام خمینی(س)، قم، تولید مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۳. لغت نامه دهخدا، تهران، تولید مؤسسه لغت نامه دهخدا.
۴. یادداشت های استاد شهید مرتضی مطهری، قم، تولید مشترك مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم
اسلامی و انتشارات صدرا.

• پایگاه اینترنتی

۱. پایگاه اطلاع رسانی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی: www.isca.ac.ir
۲. پایگاه اطلاع رسانی تبیان: www.tebyan.net
۳. پایگاه اطلاع رسانی حقوق: www.hoqouq.com